



## پیش نشست «مناسبات علم دینی و برنامه درسی آموزش و پرورش»

چهارمین پیش نشست از اولین کنفرانس مجازی بین‌المللی «نقش معرفت دینی در علوم انسانی؛ از گفتگو تا تأسیس علوم دینی» با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تحت عنوان «مناسبات علم دینی و برنامه درسی آموزش و پرورش» یکشنبه ۱۳ مهرماه از ساعت ۱۰ تا ۱۲ به صورت ویدئو کنفرانس برگزار شد.

در این پیش نشست دکتر حسن ملکی استاد تمام دانشگاه علامه طباطبائی، معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دکتر حمید پارسانیا دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دکتر محمد فتحعلی‌خانی استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به بیان نظرات خود پرداختند.

در ابتدا حجت الاسلام رضا ملایی دبیر علمی این پیش نشست ضمن معرفی سخنرانان گفت: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه متناسب با نیاز علوم انسانی امروز کشور و فضای کشور به لحاظ شیوع و ویروس کرونا، قصد برگزاری کنفرانس مجازی "مناسبات علم دینی در علوم انسانی از گفتگو تا تأسیس" را در آبان ماه دارد. در همین راستا تا بحال چند پیش نشست برگزار شده و این چهارمین پیش نشست است. پیشنهاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه این بود که یک پیش نشست هم در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برگزار شود.

وی ادامه داد: ما اکنون درگیر تدوین راهنماهای برنامه درسی هستیم که سیاست‌گذاری فکر و اندیشه در فضای آموزش و پرورش است و از سوی دیگر مقوله علم دینی مقوله‌ای است که در تمامی حوزه تربیت و یادگیری تاثیرگذار است؛ به همین منظور پیش‌نشستی را تحت عنوان "مناسبات دینی و برنامه درسی آموزش و پرورش" با دعوت از سه استاد بزرگوار که دغدغه مند علم دینی بودند و آثار مهمی را منتشر کرده‌اند؛ تدارک دیدیم.



## آغاز سخنرانی ها توسط دکتر ملکی

در ابتدا دکتر ملکی درباره‌ی مفهوم علم دینی چنین توضیح داد: راجع به علم دینی معانی و مصادیق مختلفی در منابع مختلف مطرح شده است. گاهی گفته شده علم دینی علمی است که با ایمان تلازم داشته باشد. تلازم بین ایمان و علم، شکل دهنده علم دینی است.

برخی دیگر معتقدند که علم دینی یک علم تأسیسی است و بر پایه‌ی پیش فرض‌های فلسفی و اعتقادی می‌توان علم دینی را پدید آورد.

برخی نیز اعتقاد دارند که علم دینی از ارائه فرضیه‌ها براساس ارزش‌ها و باورهای دینی و انجام یک کار تجربی بر روی آن فرضیه‌ها و رسیدن به مجموعه‌ای از گزاره‌ها پدید می‌آید و ما باید آن گزاره‌ها را علم دینی تلقی کنیم.

عده‌ای هم اعتقاد دارند که علم دینی همان تهذیب علم موجود است. یعنی اگر علمی که وجود دارد را مهذب کنیم و آن مواردی که با ارزش‌های دینی مغایر و متضاد است را پیرایش کنیم و بزدایم، علم دینی به وجود می‌آید.

یک دیدگاه هم این است که علم دینی همان علم نافع است. یعنی اگر بتوانیم علم نافع را پیدا و مدون کنیم و بر پایه علم نافع، تعلیم و تعلم نافع را ارائه بدهیم، ما در مسیر علم دینی حرکت می‌کنیم.

وی افزود: احتمالاً دیدگاه‌های متعدد دیگری هم در جغرافیای مفهومی علم دینی مطرح است، اما مطلبی که بنده می‌خواهم ارائه بدهم آن دیدگاهی است که می‌گوید علم دینی بر پایه علم نافع مطرح می‌شود. لذا اگر بخواهم عنوانی برای عرایض خودم مطرح کنم، آن عنوان "علم دینی و دلالت‌های آن بر برنامه‌های درسی" است. بیشتر مایل هستم در موقعیتی که در آن قرار داریم کمکی کنم. همکاران بنده با یک مدیریت جهادی مشغول تدوین برنامه‌های درسی تحولی هستند و شاید این عرایض بنده بتواند از این منظر به این کار مهم کمک کند.

## علم نافع در قرآن

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی درباره علم نافع عنوان کرد: نفع در لغت به معنای فایده، بهره و خیر است. یعنی وسیله‌ای که انسان را به مطلوبش برساند. در حقیقت در مقابل یک لغت دیگر به نام ضرر قرار می‌گیرد. این واژه و مشتقات آن حدود ۱۷ بار به اشکال گوناگون در قرآن کریم به کار رفته است و ما نفع مادی، نفع معنوی و نفع آخرتی را در آیات متعدد



قرآن ملاحظه می کنیم. بنابراین وقتی ما از نفع صحبت می کنیم باید توجه کنیم که نفع گسترده و وسیعی دارد. ما این جغرافیا را باید در کارمان مد نظر قرار بدهیم و احتمالاً در برنامه های درسی هم همین نگاه را باید داشته باشیم.

## دسته بندی علوم نافع

دکتر ملکی در ادامه سه دسته از علوم نافع را برشمرد و گفت: علم نافع علمی است که در زندگی فردی و اجتماعی فایده و خیر داشته باشد و در نیل به هدف ها یاری رساند. در واقع علم نافع ما را باید در نیل به هدف ها یاری کند. حال براساس این که آن هدف چه باشد، طبیعتاً مصداق علم نافع هم متفاوت می شود. ما بر این اساس می توانیم سه دسته علوم نافع را نامگذاری و مطرح کنیم. یک سری علوم نافع دنیوی هستند که این علوم می توانند در بهره مندی افراد جامعه از دنیا مفید باشند. خیلی از علومی که ما یاد می گیریم از جمله علم پزشکی یا علم ژنتیک، علوم نافع در بهره مندی افراد جامعه از دنیا هستند. نوع علومی که ما آن ها را یاد می گیریم می توانند مصداقی از علوم نافع دنیوی باشند.

رئیس سازمان پژوهش در تعریف علوم نافع اخروی بیان کرد: این ها علومی هستند که در راستای تعالی معنوی و به کمال رسیدن افراد کمک می کنند و در حیات اخروی مفید واقع می شوند. این علوم عبارت است از اصول، اعتقادات و باورهایی که از طریق تعلیم و تربیت دینی به ما آموخته می شود و نوعاً هم مربوط به این می شود که ما طوری زندگی کنیم تا در عالم آخرت نزد خدا آبرو کسب کنیم. هر علمی که این اثر را داشته باشد علم نافع اخروی است.

وی افزود: علوم نافع در دنیا و آخرت سومین دسته است. این ها علومی هستند که در رفع نیازهای دنیوی با نیت خدمت به خلق خدا و رضای الهی تعلیم و تعلم می شوند. این جا دیگر بحث انگیزه مطرح می شود. یعنی ما در هر جایی که علم یاد می گیریم یا تعلیم و تعلم می کنیم، اگر با نیت خیر و با نیت رضای الهی و خدمت به خلق خدا باشد، این علوم می شوند علوم دنیوی اخروی. در دنیا انجام می شوند ولی چون با نیت خیر صورت می گیرند طبیعتاً به آن ها اخروی هم می توان گفت.

دکتر ملکی ادامه داد: بین این تقسیم بندی ها یک حالت اصطلاحاً بتن آرمه ای وجود ندارد. یعنی وقتی علوم نافع اخروی را یاد می گیریم، آن ها آثار دنیوی و مادی هم دارند ولی معطوف به حیات اخروی هستند و در آنجا برای ما مفید خواهند بود.



## جایگاه علم دینی در اندیشه اسلامی

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی درباره جایگاه علم دینی در اندیشه اسلامی عنوان کرد: رسول خدا (ص) می فرماید: "اللهم انی اعوذ بک من علم لا ینفع". به عبارت "انی اعوذ بک" عنایت کنید. ما معمولاً از شر شیطان به خدا پناه می بریم، اما علم غیر نافع چه ضرری دارد که ما در این دعا از واژهی اعوذ بک استفاده می کنیم؟ معلوم می شود علمی که نفعی ندارد می تواند خاستگاه یک سری برنامه های ابلیسی هم باشد به دلیل آنکه همچون ابلیس از شر آن به خداوند پناه می بریم. امام علی (ع) هم چنین بیانی در نهج البلاغه دارند که می فرمایند: لا خیر فی علمٍ لا ینفع" (در علمی که نفعی ندارد خیر و فایده ای نیست).

## دیدگاه صاحب نظران اسلامی نسبت به علم نافع

دکتر ملکی در ادامه چند دیدگاه از صاحب نظران اسلامی را نسبت به علم نافع مطرح کرد. وی اظهار داشت:

**حضرت آیت الله جوادی آملی** می فرمایند: "هر علمی نافع است ولی عظمت علم از معلوم مشخص می شود. علم اصول دین از برترین علوم است ولی وقتی کاملاً نافع است که همراه عمل باشد. "ایشان تأکیدشان بر این است که علت اصول دین با آن عظمتش اگر همراه عمل نباشد از مصادیق علم نافع نیست.

**حضرت آیت الله خامنه ای** می فرمایند: "دنبال علمی باشیم که برای کشور لازم و نافع باشد، نه فقط برای حال کشور بلکه برای ۱۰ سال بعد یا ۲۰ سال بعد کشور. ممکن است ما در ۲۰ سال آینده یک نیازی داشته باشیم که از امروز تحقیقات آن باید شروع شود."

**شهید مطهری** نیز می فرمایند: هر علمی که متضمن فایده و اثری باشد و آن فایده و اثر را اسلام به رسمیت بشناسد و آن اثر را مفید و خوب بداند، آن علم مورد نظر و مورد توصیه و تشویق اسلام است. "مرحوم علامه طباطبایی هم علم نافع را علمی می داند که انسان را در مسیر کمال یاری کند.



## علم نافع در سفر زندگی

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی گفت: زندگی یک سفر است. از زمانی که ما در یک سنی قرار می‌گیریم و تکلیف الهی بر ما مترتب می‌شود و ما راه را آغاز می‌کنیم، یک مبدأ سفر داریم، یک راه سفر داریم و یک مقصد سفر داریم. در مبدأ سفر، خودشناسی، خداشناسی، خلقت‌شناسی و دیگرشناسی و ارتباطات انسانی بسیار اهمیت دارد. در سینی که دانش‌آموزان حضور دارند، خودشناسی تا یک حدی باید به آن‌ها آموخته شود و زمینه فراهم شود، چون تا خودشناسی نباشد نمی‌توانند این مسیر را بیمایند. همچنین شناخت خدا، شناخت خلقت و شناخت انسان‌های دیگر هم اهمیت دارد.

دکتر ملکی ادامه داد: ما باید چه کار کنیم که در برنامه‌های درسی مان به خودشناسی کمک کنیم؟ استحضار دارید که در احادیث ما از معرفت نفس به‌عنوان "انفع المعارف" نام برده شده است، یعنی نافع‌ترین علوم معرفت به خود است. من مواردی که به این موضوع مربوط باشد را در کتاب‌های درسی، مخصوصاً در کتاب‌های معارف اسلامی دیده‌ام، اما نکته این است که ما این موضوع را چگونه مطرح و سازماندهی کنیم که خودشناسی جای خودش را باز کند. در ارتباط با خداشناسی که همایش ما هم خیلی به آن ارتباط پیدا می‌کند، محتواهای ما باید خدا محور باشند. محتوای خدا محور هم محتوایی است که بتواند بر محوریت علم دینی مبتنی شود.

وی افزود: ما در راه سفر وارد متن زندگی شده‌ایم. مراد ما از راه سفر یعنی متن زندگی. در این راه که دانش‌آموز به‌عنوان یک شهروند موثر و مفید وارد زندگی شده است باید از جامعه اسلامی رفع موانع شود. حال این موانع کدام موانع است؟ ممکن است موانع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یا جمعیت‌شناسی باشد. این مسئله‌ها باید در متن برنامه‌های درسی ما به نوعی درآمیخته شود.

دکتر ملکی خاطر نشان کرد: مسئله‌ی پیری جمعیت یک مثال عینی برای این موضوع است که اگر مراقب نباشیم به یک مانع تبدیل می‌شود. اعتقادات صحیح یک مسئله دیگر است. ما اعتقادات صحیح را از طریق دروس معارف اسلامی آموزش می‌دهیم، اما نکته قابل توجهی که وجود دارد این است که ما این اعتقادات را چقدر، چگونه و از چه منبعی باید بهره‌برداری کنیم که این اعتقادات کمک کند تا دانش‌آموز به یقین دست پیدا کند؟ موضوع نیت خالص هم یک موضوع دیگر است. ما اعتقاد داریم که اگر افراد دارای نیت خالص باشند، در زندگی دنیوی می‌توانند اصطلاحاً دنیوی اخروی زندگی کنند. ما باید به تزکیه نفس آن‌ها کمک کنیم، که در اینجا نقش معلم به‌عنوان فردی که برای تزکیه نفس از طریق برنامه‌های درسی



زمینه‌سازی می‌کند مهم است. اگر ما این موضوعات را در طول سفر زندگی مد نظر قرار بدهیم و اصلاح کنیم، می‌توانیم به علم نافع دست پیدا کنیم.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی در پایان صحبت‌های خود گفت: وقتی از علوم نافع و برنامه درسی حرف می‌زنیم باید بدانیم: (۱) علوم نافع مادی و برنامه درسی کدام علوم هستند؟ (۲) علوم آخرتی و برنامه‌های درسی کدام علوم هستند؟ (۳) علوم نافع در دنیا و آخرت و برنامه‌های درسی کدام علوم هستند؟ شاید نیاز باشد که دوستان در شوراهایی که تشریف دارند از این زاویه وارد شوند، مورد بحث قرار بدهند و ان شاء الله به جاهای شفاف‌تری برسند.

### جمع بندی ابتدایی سخنان دکتر ملکی

در ادامه حجت الاسلام رضا ملائی، رئیس گروه پژوهش و برنامه‌ریزی حوزه تربیت و یادگیری قرآن و معارف اسلامی دیدگاه دکتر ملکی در رابطه با علم دینی را جمع‌بندی کرد. دبیر علمی این نشست گفت: دکتر ملکی برای علم دینی سه مشخصه ذکر کردند. نخست این که علم دینی آن علمی است که در خدمت اهداف دینی قرار بگیرد، دوم آن که علم دینی باید متکی بر منابع دینی باشد و سوم این که علم دینی آن علمی است که پیش‌فرض‌های دینی را در علم دخالت بدهد.

### رابطه نظری دین و علم

سپس دکتر محمد فتحعلی خانی استادیار پژوهشگاه حوزه سخنان خود را این گونه آغاز کرد: عنوان مطلبی که من تحلیل می‌کنم "بازتاب تعامل نظری و عملی دین و علم در آموزش و پرورش" است. یک تعامل متقابل بین علم و دین در حوزه نظر و حوزه عمل وجود دارد که اگر به آن توجه شود آموزش و پرورش جهت‌گیری و سمت و سوی متفاوتی را خواهد داشت. وی افزود: من قبلاً درباره‌ی رابطه‌ی نظری علم و دین در یک همایش دیگری که به همت دوستان ما در آموزش و پرورش و با همراهی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم انجام گرفت مطالبی را عرض کردم و مقاله‌ای را منتشر کردم که بیشتر ناظر به فرمایشات حضرت آیت‌الله جوادی آملی در موضوع علم دینی بود. آنچه مورد نظر بود این بود که بین معرفت دینی و معرفت عقلی و به طور خاص معرفت علمی، یک داد و ستد و رابطه متقابل وجود دارد.



دکتر فتحعلی خانی گفت: آنچه که من از "تعامل نظری علم و دین" تعبیر کرده‌ام این است که ما این دو و به طور خاص متون دینی را منبع معرفت‌زا می‌دانیم. این را براساس مبانی کلامی که داریم اثبات می‌کنیم. ما یک تلقی از وحی داریم و وحی را انتقال معرفت و معرفت‌زا می‌دانیم که اختصاص به پیامبر و معصومین (ع) دارد. بنابراین وحی موجب معرفت است، معرفتی که حیثیت حضوری دارد و مواجهه مستقیم با واقعیت است. این وحی وقتی در قالب گفتار و نوشتار درمی‌آید و از طریق متون دینی به مخاطبان دین منتقل می‌شود، از حوزه‌ی علم حضوری به حوزه‌ی علم حصولی منتقل می‌شود.

استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه بیان کرد: بنابراین ما معتقدیم که متون دینی معرفت حصولی را در اختیار مخاطبان دین قرار می‌دهد، که البته باید با روش شناختی‌هایی که صورت می‌پذیرد و تحقیقاتی که در حوزه روش‌شناسی صورت می‌گیرد، روش تحصیل علم از طریق متون دینی را دریابیم. ما از آن طرف هم قائل به این هستیم که عقل علی‌الاصول قادر به معرفت نسبت به موضوعات است و می‌تواند موضوعاتی را که در قلمرو عقل قرار می‌گیرد را بکاود و درباره‌ی آن‌ها به داوری برسد. البته این داوری به شیوه‌ای روش‌مند و عقلانی صورت می‌گیرد. پس همه انسان‌ها دارای قوای مشترکی هستند که اگر آن‌ها را به کار بگیرند و از اصول به کارگیری آن‌ها تبعیت کنند می‌توانند معرفت پیدا کنند.

وی افزود: پس متون دینی از یک سو منبع معرفت است. قوای عقلی ما هم با روش‌های مختلفی که در علوم طبیعی، علوم انسانی، علوم اجتماعی و فلسفه وجود دارد به ما معرفت می‌دهند.

## رفع تعارض بین علم و دین

محمد فتحعلی خانی خاطر نشان کرد: فراتر از همه‌ی این گونه‌های مختلف دانش، علم و معرفت؛ یک الزام عقلی وجود دارد که آن عبارت است از اینکه معرفت انسان‌ها با همدیگر باید در انسجام و سازگاری باشد. یعنی نمی‌شود شما یک روش را روش معرفت‌زا بدانید ولی نتایج آن با یک روش دیگری که آن را هم معرفت‌زا می‌دانید، در تعارض قرار بگیرد. بحثی که تحت عنوان تعارض علم و دین مطرح می‌شود هم در همین چارچوب است. یعنی اگر ما دین را معرفت‌زا می‌دانیم و عقل را هم معرفت‌زا می‌دانیم، قاعدتاً این دو نباید با هم در تعارض باشند.

وی افزود: اما اگر به موردی از تعارض برخورد کردیم؛ چه کنیم؟ در این جهت نظریات مختلفی پرداخته شده است. از جمله اینکه در قرون وسطی برخی قائل بر این بودند که هم آن‌چه که دین می‌گوید در جایگاه خودش درست است و هم آن‌چه



علم، عقل و فلسفه می گوید در جای خود پذیرفتنی است و واجب است که پذیرفته شود. این نظریه گرچه نظریه قابل اعتنایی نیست ولی در روزگاری طرفدارانی داشته است. به این نظریه می گفتند نظریه حقیقت دو گانه یا حقیقت مظاعف.

فتحعلی خانی اظهار داشت: برخی دیگر عقل گرایی افراطی را پیشنهاد می دهند. یعنی می گویند اگر تعارضی بین آموزه های برگرفته از متون دینی و آموزه های برگرفته از گونه های مختلف دانش برقرار شد، تعارض را این گونه رفع می کنیم که همیشه جانب عقل را مقدم می داریم. اگر این نظریه بخواهد پذیرفته شود یعنی دین همیشه ناگزیر است که تابع علم و فلسفه باشد. اما اگر ما وجوه دینی را معرفت زاهدانیم و روش های دریافت معرفت از متون دینی را به لحاظ فلسفی تثبیت کرده باشیم، این نظریه پذیرفتنی نیست. این ها هر دو در یک نقطه هستند و باید یکدیگر را تعدیل کنند؛ نمی شود که همیشه علم و فلسفه را مقدم بدانیم.

وی گفت: کسانی هم هستند که از جانب مقابل به سمت تفریط یا افراط دیگری رفته اند و بر این باور هستند که همیشه دین باید یافته های عقل را مدیریت کند. این هم پذیرفتنی نیست، چون فرض ما این است که عقل خودش مهم ترین منبع معرفت است و چنانچه که ما عقل را از حیثیت خودش تنزل بدهیم اساساً دست یافتن به دین و معارف دینی هم تعطیل می شود. ما با کمک و مدد عقل است که به دین و معارف دینی دست پیدا می کنیم و به آن ها ایمان می آوریم.

فتحعلی خانی با بیان این که سه نظریه یاد شده هیچ کدام قابل قبول نیستند و ما نظریه چهارم را باید بپذیریم، درباره ی این نظریه گفت: نظریه ی چهارم همان نظریه ای است که من از آن به نظریه تعامل معرفت علمی و معرفت دینی تعبیر کردم. به نظر می آید این نظریه معقول ترین دیدگاه در مباحث مربوط به تعارض علم و دین است. این نظریه می گوید که چنانچه علم و دین به یک معرفت واحد نرسیده باشند این دو باید با همدیگر مناسبات متقابلی را برقرار بکنند و همدیگر را تعدیل کنند و برای همگرا شدن به سمت معرفت واحد تشریک مساعی کنند. به این می گویند تعامل نظری علم و دین.

### رابطه عملی بین علم و دین

محمد فتحعلی خانی پس از تشریح رابطه نظری علم و دین، بیان کرد: در مقام عمل هم بین علم و دین تعاملاتی وجود دارد. وقتی ما از عقلانیت نظری به عقلانیت عملی رجوع می کنیم به یک معنا داریم پای هر جهان بینی و هر مجموعه ارزش شناختی را باز می کنیم که آن مجموعه به ما می گوید چه عمل هایی با چه اهدافی قابل پیگیری است. عمل همیشه هدفمند است و علم نافع است که جناب استاد ملکی گفتند همیشه در همین جا وارد می شود. وقتی یک نظام ارزشی به ما ارزش هایی را می دهد در





واقع سمت و سوی عمل ما را تعیین می کند و عقلانیت عمل ما از آن جهت رابطه عملی بین علم و دین را برقرار می کند، چون دین نظام ارزشی دارد.

استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه خاطر نشان کرد: دین واجد جهان بینی است و مسئله مهم این است که جهان بینی ها دو کار را انجام می دهند؛ یکی این که به ما راهنمایی می کنند تا علمی را سامان بدهیم و محقق کنیم که در پشت آن جهان بینی وجود داشته باشد و این علم متناسب با آن جهان بینی باشد و در عین حال همین جهان بینی و همین نظام ارزشی به ما سبک زندگی بدهد. این جا نقطه عملی بین علم و دین است، چون هر دوی این ها با تناسب جهان بینی هایی که در پشتوانه ی خودشان دارند به ما علم و سبک زندگی می دهند.

### تقابل جهان بینی مادی با جهان بینی الهی

فتحعلی خانی عنوان کرد: اکنون که هم علم و هم جهان بینی برخاسته از دین این ویژگی را دارند که به ما انتقال جهان بینی، معنا و ارزش بدهند، چنانچه آموزش و پرورش بر اصلاح سبک زندگی متمرکز شود یک رقیبی برای آموزگار فراهم کرده است. در واقع آن که نظام جهان بینی و ارزشی خاصی را آموزش و انتقال می دهد در قبالتش با تغییر سبک زندگی با یک آموزگار رقیب مواجه می شود. البته این ممکن است ما را به نوعی تقابل و تعارض رهنمون کند ولی توجه داشته باشید که در وضعیت کنونی آموزش و پرورش ما این تقابل وجود دارد و ما ناچار یک دوشخصیتی را داریم به دانش آموز خودمان منتقل می کنیم. یعنی از طریق آموزش علوم به خصوص علوم پایه داریم جهان بینی مادی و تجربه گرا را منتقل می کنیم و از طریق تعلیمی که در درس دینی و درس فارسی و ادبیات کلاسیک انتقال می دهیم هم یک جهان بینی متفاوت را عرضه می کنیم که جهان بینی الهی است.

وی افزود: این تقابل همین الآن هم وجود دارد، منتها از طریق دو تریبونی که یکی از آن ها دارد این جهان بینی را به صورت ناخود آگاه انتقال می دهد که همان آموزش های علوم پایه است و مؤثرتر است و دیگری به طور مستقیم گفت و گو می کند. در واقع این ها دو رقیب هستند که هر دو جهان بینی و نظام ارزشی خاصی را به صورت ناخود آگاه و به صورت ضمنی آموزش می دهند. این نوع تعلیم رسوخ بیشتری در اذهان دارد و منجر به این می شود که در درون آن گیرنده واحد که دانش آموز یا دانشجو است به تدریج رابطه ی تعدیلی بین این دو جهان بینی برقرار شود. یعنی این ها یکدیگر را انتقاد کنند. انتقاد این جهان بینی نسبت به آن جهان بینی و انتقاد آن جهان بینی نسبت به این جهان بینی.



دکتر فتحعلی خانی در پایان سخنان تأکید کرد: اگر نقطه توجه آموزش‌ها و دروس ما به سمت تغییر و تصحیح سبک زندگی قرار بگیرد، امکان تعامل نظری و عملی بین معرفت دینی و معرفت علمی برقرارتر خواهد شد و امید به همگرایی بیشتر فراهم می‌شود.

### جمع‌بندی سخنان دکتر فتحعلی خانی

در ادامه حجت الاسلام ملائی گفت: دو نکته فوق‌العاده مهم در بیان فتحعلی خانی وجود داشت. نکته‌ی اول این است که علم دینی آن علمی است که محصول سازگاری فهم روش‌مند از دین و فهم روش‌مند تجربی یا فهم روش‌مند عقلی است. بنابراین در آن حوزه‌ای که تعارض بین فهم دینی با فهم عقلی یا فهم تجربی به وجود بیاید، باید به قاعده‌ای که این تعارض را حل خواهد کرد، رجوع کنیم.

دبیر علمی این نشست افزود: نکته دوم که اتفاقاً نکته بسیار مهمی هم هست این است که در ساحت آموزش و پرورش دو جهان‌بینی در حالت انتقال به یک گیرنده (دانش‌آموز) است. یک جهان‌بینی از طریق دروس تعلیمات دینی و دروس فارسی به تسریع انتقال داده می‌شود و یک جهان‌بینی هم از طریق دروس علوم پایه مثل علوم تجربی و ریاضیات به تلویح و به شکل پنهانی انتقال داده می‌شود. این دو جهان‌بینی که یکی از آن‌ها جهان‌بینی برآمده از تفکر مدرن و دیگری جهان‌بینی برآمده از تفکر دینی است در گیرنده واحد ایجاد تعارض خواهد کرد و دانش‌آموز خودش را بین این دو جهان‌بینی دچار تعارض و ناسازگاری خواهد دید. باید برای این تدبیر اندیشید. طبیعتاً تدبیر این کار هم رفتن به سوی علم دینی در حوزه‌های مختلف تربیت و یادگیری است.

حجت الاسلام ملائی گفت: برداشت من از راه‌حل آقای دکتر فتحعلی خانی برای این که علم دینی بسط پیدا کند این است که سبک زندگی تغییر پیدا کند. یعنی به جای این که تغییر را از ناحیه علم شروع کنند و به سمت سبک زندگی بروند، تغییر را از ناحیه‌ی سبک زندگی شروع خواهند کرد تا یک بسترهایی برای ظهور علم دینی به وجود بیاید.



## شاخص علم نافع از نگاه دکتر پارسانیا

دکتر حمید پارسانیا دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران نیز گفت: جناب آقای دکتر ملکی شاخصی را برای علم دینی مطرح کردند که آن نافع بودن علم دینی است. به نظرم شاخص مهمی است، منتها این شاخص اگر بخواهد دنبال شود با دیگر شاخص‌هایی که نسبت به این موضوع بیان می‌شود ربط پیدا می‌کند. آنچنان که آقای دکتر فتحعلی‌خانی بیان کردند، قاعدتاً در نظام آموزش ما دو علم با دو نوع جهان‌بینی القا می‌شود. یکی عیان و آشکار است و به بستر فرهنگی جامعه بازمی‌گردد که همان دروس مربوط به حوزه فرهنگی است و دیگری هم علوم پایه یا علوم اجتماعی است. این‌ها یک نوع جهان‌بینی را دارند القا می‌کنند که این مسئله خودش با مسئله‌ی نفع ربط پیدا می‌کند. یعنی جهان‌بینی که فقط دنیوی می‌بیند و این جهان را مستقل از جهان دیگر تفسیر می‌کند، با نفع به معنای دینی و معنوی ناسازگاری پیدا می‌کند. در واقع می‌خواهم بگویم که ما حتی معیار علم نافع را با معنایی که از نافع داریم بیان می‌کنیم.

پارسانیا افزود: جناب آقای دکتر فتحعلی‌خانی فرمودند که از متون دینی هم نوعی بهره‌وری و استفاده داشته باشیم، اما خود همین مسئله هم ممکن است با معیار نفع و نافع بودن نوعی تداخل داشته باشد. گاهی شما علم را به گونه‌ای معنا می‌کنید که معرفتی که متون دینی القا می‌کنند را اصلاً معرفت علمی نمی‌دانید و استفاده و تعامل علم با متون دینی را نفی می‌کنید و یا چارچوب بسیار مقیدی را برای آن بیان می‌کنید که هویت دینی بودنش دیگر نقشی ندارد که بخواهد با علم ارتباطی داشته باشد. این مسئله ممکن است به حوزه‌ی فرهنگ آسیب برساند. یعنی شما بخواهید یک جامعه‌ای داشته باشید که نفع را نفع اخروی معنا کند و بگوید ما نافع اخروی هم داریم و بعد نظام علمی شما بگوید اصلاً مفهوم اخروی یک مفهوم ایدئولوژیک است و اصلاً این‌ها مفاهیم علمی و واقع‌نما نیستند و این‌ها برساخت هستند و فقط یک نوع هویت فرهنگی دارند. در اینجا هم معیار نافع بودن با سایر معیارها تداخل پیدا می‌کند. بنابراین معیارهای مختلفی برای رابطه علم و دین مطرح می‌شود که اغلب این معیارها با همدیگر نوعی هماهنگی و تداخل هم دارند.

## موضع‌گیری آموزش و پرورش نسبت به رابطه علم و دین

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بیان کرد: بحث نسبت میان علم و دین محل گفت‌وگوهایی جدی در مباحث علمی و دینی است و حتی آن‌هایی که با ارتباط این دو مخالفت می‌کنند نوعی موافقت خودشان را دارند اظهار می‌کنند. یعنی



دارند یک موضع خاصی را بیان می کنند. یعنی حتی اگر حوزه علم را کاملاً از حوزه دین منفک در نظر بگیرند و اجازه تعامل بین این دو را ندهند، آن‌ها هم به نوعی به رابطه خاص علم و دین معتقد هستند، منتها رابطه سلبی برقرار می کنند و اجازه نمی دهند رابطه ایجابی برقرار شود.

وی تأکید کرد: ما نسبت به رابطه‌ی علم و دین ناگزیر هستیم که یک نوع موضع گیری داشته باشیم. نظام آموزشی ما نمی تواند نسبت به این مسئله بی توجه و خنثی باشد. این مباحث هر طرفش، طرف دارد و استدلالی دارد. یعنی در هر مبحثی ممکن است برخی با نظر شما مخالف باشند. بنابراین نظام آموزش و پرورش ما نمی تواند نسبت به این مسئله موضعی نداشته باشد و بگوید من بدون این موضع می خواهم برنامه آموزشی خودم را داشته باشم. نظام آموزش و پرورش باید یک موضع شفاف و روشن در این زمینه داشته باشد. در اسناد مربوط به تحول آموزش و پرورش و اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش و نظام علمی نوعاً این موضع گیری بیان و اظهار می شود.

حمید پارسانیا اظهار داشت: مهم این است که ما در درون نظام آموزشی بدون مواضع نظری نمی توانیم وارد شویم و بعد باید اقدامات متناسب با آن مواضع نظری را سامان بدهیم. خلأیی که فکر می کنم در برنامه‌ی درسی آموزش و پرورش وجود دارد این است که این مواضع به صورت شفاف و گویا بیان نمی شود. عرض من این نیست که ما می توانیم یک نظریه‌ی خاصی را کاملاً مبنا قرار بدهیم و بگوییم یک حرفی را تا نهایت گفته‌ایم. ممکن است افراد یک نظر خاصی را داشته باشند و لوازم یک حرفی را تا آخر قبول کرده باشند که حتماً هم این گونه است، اما این مسئله اگر بخواهد در یک برنامه درسی و یک نظام آموزشی و اجتماعی محقق شود نوعی اجماع می خواهد. یعنی مستلزم نوعی حرکت برای هماهنگ کردن، گفت و گو کردن و پیش رفتن در این زمینه است. لذا در درون آموزش و پرورش ما باید یک گفت و گوهای زنده و مستمر برای شفاف کردن این مسئله و به تصمیم رسیدن و اصلاح کردن تصمیم‌های قبلی و گام پیش گذاشتن نسبت به مسئله وجود داشته باشد. این یک نکته مهم است. فقط مسئله ما هم نیست و جهان مدرن به طور کلی به آن پرداخته است.

## درک درست از تعریف علم و دین

پارسانیا ادامه داد: یکی از مسائلی که در تأثیر گذاری بین علم و دین و نسبت بین آن‌ها خودش را نشان می دهد و تعیین کننده است، تعریف خود علم و تعریف خود دین است. البته منظورم وضع اصطلاح نیست، بلکه منظورم فهم ما از حقیقت دین و علم و تصدیق این مسئله است. یعنی ببینیم دین چیست و چه چیزی را علم می بینیم. ما حقیقت دین و علم را درک کنیم بعد می توانیم



وارد روابط میان آن‌ها شویم. من فکر می‌کنم نظام آموزشی ما اگر می‌خواهد برنامه‌ریزی درستی داشته باشد و ناآگاهانه وارد مسائل نشود باید اتخاذ موضع کند که چه چیزی را علم می‌داند و برداشتش از دین چیست. بنابراین ما در قدم اول باید تعریف و حقیقت علم و دین را درک کنیم تا بعد در ذیل تعریفی که ما از علم می‌کنیم مسائل بعدی از جمله علوم شکل بگیرد.

## تفاوت Science با humanities

دکتر پارسانیا در ادامه به تقسیم‌بندی علوم پرداخت و گفت: ما در کمتر از ۱۰۰ سال اخیر واژه علم را معادل Science قرار داده‌ایم. خود Science هم از نیمه دوم قرن ۱۹ به بعد یک مفهوم کاملاً جدید و خاصی پیدا کرده است و این مفهوم در کشورهای اسلامی هم بسط پیدا کرده و لغت علم را تصرف کرده است. از این رو الآن واژه‌ی علم در نظام آموزشی معادل Science در نظر گرفته می‌شود و به دنبال آن تقسیم‌بندی حوزه‌های آکادمیک و رسمی آموزش و پرورش و آموزش عالی ما متناسب تعریف Science تقسیم‌بندی می‌شوند.

وی افزود: یک حوزه‌ای از دانش‌های ما انسانیات (humanities) هستند. یعنی علم نیستند. هنر، کتاب دینی، حقوق و ادبیات فارسی humanities هستند. یعنی انسانیات هستند و انتقال فرهنگ را برعهده دارند. اگر با تقسیم‌بندی جهان مدرن همراه شویم حتی فلسفه و متافیزیک هم humanities هستند. لذا دانشکده ادبیات و علوم انسانی ما humanities است. Science همان دانشکده علوم است که شامل علوم محض و دروسی نظیر زیست، فیزیک و ریاضی و همین‌طور علوم کاربردی هستند که دانشکده‌های فنی و مهندسی، داروسازی و پزشکی بیشتر جنبه‌های کاربردی دارند. یک حوزه دیگر Science هم داریم که Social science (علوم اجتماعی) است و حوزه‌های روان‌شناسی و مشابه آن را در بر می‌گیرد. این‌ها هم علم هستند. ویژگی علم این است که باید تجربی و آزمون‌پذیر باشد. تفاوت علوم اجتماعی با علوم طبیعی هم در این است که علوم اجتماعی موضوع‌شان انسانیات و متن حیات انسان‌ها است.

دکتر پارسانیا با اشاره به این که نظام علمی ما براساس این تقسیم‌بندی کار می‌کند، خاطر نشان کرد: این تقسیم‌بندی کاملاً مدرن است. یعنی در طول تاریخ یک چنین تقسیم‌بندی سابقه نداشته است. این تقسیم‌بندی همچنین متأثر از یک مبنای معرفت‌شناسی است. مفاهیم جدیدی است که فیلسوفان دو، سه سده آن‌ها را استحکام بخشیده‌اند. با یک مدل از زندگی و زیست در جهان مدرن هم ارتباط داشته است. این تقسیم‌بندی مبتنی بر یک تعریفی از علم و یک تعریفی از دین است. دین بخشی از فرهنگ و بخشی از humanities است.



## جمع‌بندی سخنان دکتر پارسانیا

پارسانیا، دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در جمع‌بندی سخنانش گفت: عرض بنده این است که ما چه تعریفی از علم و چه نوع تقسیم‌بندی از علوم داریم؟ این‌ها با چه هستی‌شناسی و چه نوع فرهنگی سازگار است؟ باید اتخاذ موضع بکنیم. البته توقع بنده این نیست که کاری که می‌خواهد یک برنامه‌ریزی گسترده اجتماعی باشد با نظر یک نفر انجام بگیرد، بلکه می‌گویم برای این مسائل باید در نظام آموزشی سهمی از گفت‌وگو، تعامل و خردورزی بین اندیشمندان وجود داشته باشد و پرونده را نسبت به این مسائل بسته شده ندانیم و دائماً برای اصلاح این حوزه کار کنیم.

وی با تأکید بر این که ما نباید با مرجعیت مفاهیم مدرن به صورت چشم بسته و بدون گفت‌وگو و بدون تعاملات دقیق فلسفی برخورد کنیم، بیان کرد: احساسم این است که در برنامه‌های درسی ما خلأ شناسایی مفاهیم و اصول پایه وجود دارد. اگر برخی رشته‌ها و گرایش‌ها آگاهانه‌تر عمل می‌کنند این یک امر منسجم، سازمان‌یافته و فراگیر نیست و اساساً یک برنامه مشترک وجود ندارد. این یکی از آسیب‌های ما است و ما نیاز داریم که این کار انجام شود. بنده از حضور آقای دکتر ملکی در سمت رئیس سازمان پژوهش و توجهی که به این مسئله دارند بسیار خوشحال هستم و امیدوارم با همت ایشان و عزیزانی که در حوزه برنامه‌ریزی درسی فعالیت دارند، طرح کلان این مسئله با جدیت بیشتری ساماندهی پیدا کند و یک گفت‌وگوی مستمر در این حوزه شکل بگیرد. خود این نشست نشانه اهمیتی است که دوستان به مسئله می‌دهند.

رئیس گروه پژوهش و برنامه‌ریزی حوزه تربیت و یادگیری قرآن و معارف اسلامی در پایان نشست درباره‌ی سخنان دکتر پارسانیا گفت: شاید واژه کلیدی ایشان توجه نظام آموزشی به مفهوم علم باشد و اینکه نظام آموزشی از یک تلقی در ارتباط با مفهوم علم در حال تبعیت است، لکن وقتی قرار است برنامه‌ریزی کند و برای حوزه‌های مختلف تربیت و یادگیری، برنامه درسی بنویسد باید تلقی خودش را خیلی روشن و همراه با لوازم و پیامدهایش ارائه کند.

شایان ذکر است این برنامه پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به منظور توسعه علم دینی، جذب توانمندی‌های داخلی و خارجی در زمینه علم دینی، ایجاد فرصت گفت‌وگو و تعامل بین اندیشمندان مختلف در حوزه روابط علم و دین و اشاعه علم دینی در حوزه علوم انسانی و با همکاری نهادها و سازمان‌های مختلف اقدام به برگزاری این کنفرانس کرده است.



نقش معرفت دینی در پارادایم‌های علوم انسانی (معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی، روش‌شناسی)؛ معرفت دینی و رشته‌های مختلف علوم انسانی (علوم انسانی محض و علوم انسانی کاربردی)؛ وضعیت‌شناسی مطالعات دین و علوم انسانی، مطالعات دین و علوم انسانی در ایران، مطالعات دین و علوم انسانی در جهان؛ معنویت دینی و علوم انسانی؛ محورهای اساسی این کنفرانس هستند.

شایان ذکر است حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی محمد حکیمیان رئیس پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به عنوان رئیس و دکتر ابوالفضل گایینی به عنوان دبیر کنفرانس مجازی بین‌المللی «نقش معرفت دینی در علوم انسانی؛ از گفتگو تا تأسیس علم دینی، فعالیت خواهند داشت.

علاقه‌مندان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر از طریق ایمیل [rhc@rihu.ac.ir](mailto:rhc@rihu.ac.ir) در ارتباط بوده و یا برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۵۳۲۱۱۱۲۰۴ تماس حاصل فرمایند.